

انگیزه‌های مسلمانان در تحقیقات جغرافیایی

(قسمت دوم)

مرتضی احمدی سیاهپوش
دبیر جغرافیا - دزفول

به عرض بلاد تحقیقات مسلمین با تحقیقات امروزه تفاوتی که دارد از دقایق تجاوز نمی‌کند، برخلاف یونانیان که در تحقیقات خود اشتباهی که نموده‌اند از دقایق تجاوز کرده بچندین درجات میرسند... [برای مثال] طول بلد طنجه را بطلمیوس از نصف النهار اسکندریه حساب نموده پنجاه و سه درجه و سی دقیقه نشان داده است، در صورتیکه طول واقعی آن سی و پنج درجه و چهل و یک دقیقه می‌باشد که قریب به هیجده درجه در آن اشتباه شده است. در نقشه‌های عرب بحر الروم از طنجه تا طرابلس شامات کمتر از یکدرجه اشتباه شده است، لیکن در نقشه‌های بطلمیوس طول آن نوزده درجه بیشتر قرار داده شده و اشتباه بزرگی هم که در چهارصد فرسخ سابق الذکر دست داده تقریباً از همین جا ناشی شده است.^{۲۵}

با مباحث فوق الذکر روشن شد که توهم اینکه مسلمین در علم جغرافیا هر آنچه را که بدست آورده‌اند از دیگران بالاخص یونانیان اخذ کرده‌اند تا چقدر ناجاست بلکه

در تأیید و صحت گفتار جرجی زیدان مبنی بر گردش در نقاط مختلف عالم توسط مسلمانان و دیدار عینی و عملی از آنچه نقل می‌کردند مطالعه زندگینامه‌های مورخین و جهانگردان بنام مسلمان همچون یعقوبی، ابن فضلان، مسعودی، ابن حوقل، مقدسی، اصطخری، ابوریحان بیرونی، ناصر خسرو، ادریسی، ابن جبیر، ابن بطوطه، یاقوت حموی و ... لازم و ضروری است.

و در خصوص تصحیح اشتباهات بطلمیوس توسط مسلمین باز استناد می‌کنیم به کتاب تمدن اسلام و عرب اثر گوستاو لیون. لیون می‌نویسد: «بطلمیوس در تعیین موقع جغرافیایی بلاد مرتکب اشتباهات بزرگی شده از جمله در خصوص طول بحر الروم چهارصد فرسخ بخطا رفته است. امکانه و

نقاطی را که مسلمین تحقیق نموده و قتیکه با تحقیقات یونانیان مقایسه می‌کنیم بخوبی معلوم می‌شود که آنها چه خدمت شایانی به این علم نموده‌اند، مثلاً راجع



برعکس این دیگران و بالاخص اروپائیان بوده اند که از خرمن علم اندیشمندان اسلامی استفاده کرده اند.

در توجه مسلمانان به علم جغرافی همین بس که حتی اقدام به تأسیس «مدرسه جغرافیائی» کرده اند.

استاد جواد صفی نژاد در کتابشان بنام «مبانی جغرافیای انسانی» می نویسند: «مسلمین برای اینکه با آگاهی به تدوین مسائل جغرافیائی پردازند و ناشناخته های جغرافیائی را پژوهش نمایند به ایجاد «مدرسه جغرافیائی» پرداختند و در آن علوم جغرافیائی را تدریس می کردند و در همین مدارس بود که جغرافیدانان اسلامی به تدوین جغرافیای انسانی به مفهوم آرزوی پرداختند و در باب آداب معیشت، انواع حرفه ها و صنایع و عقاید اقوام مختلف اطلاعات سودمندی جمع آوری و مدون کردند.»^{۲۶}

اما درخصوص این ادعا که اروپائیان از اندیشه علمی و جغرافیائی مسلمین استفاده کرده اند، بر فرض صحت، چگونه به آن دسترسی پیدا کرده تا از آن بهره مند شوند باید متذکر شد: «منشأ انتقال علم و جغرافیای اسلامی به اروپای لاتین و غرب متعدد بود. این نقاط تماس مادی و فرهنگی در اسپانیا، ایتالیا، سیسیل و بعضی از جزایر اژه قرار داشت. در خلال جنگهای ممتد صلیبی، بین دو دنیای فرهنگی ارتباطهای مداومی وجود داشت. همانگونه که فعالیتهای نخستین در جهت ترجمه کتب علمی در بغداد، راه را برای آثار علمی جدید باز کرد، بهمین متوال ترجمه آثار بیشتر عربی در اسپانیا، ایتالیا و سیسیل، یکبار دیگر به پیشرفت اندیشه های علمی کمک کرد.

جغرافیای لاتین، تا قبل از اوایل قرن ششم هجری قمری/دوازدهم میلادی، در مرتبه بسیار پایین تری از جغرافیای اسلامی قرار داشت و بسیار ابتدایی و کودکانه بود. این سخن بخصوص در مورد آن دسته از نویسندگان مصداق دارد که تحت تأثیر عقاید اعراب قرار نداشتند و به پیروی از سنتهای روم و اوائل قرون وسطی، ادامه دادند... [از آنجائیکه] تمدن عرب با اروپای قرون وسطی در جاهای متعدد از جمله اسپانیا، سیسیل و آسیای مدیترانه تماس جغرافیائی داشت... بدین ترتیب، غرب هر زمان که نیاز به دانش ژرفتر و تازه تر را احساس می کرد همواره به منابع عربی روی می آورد. بنابراین، وظیفه اصلی دانشمندان سده های ششم و هفتم هجری/دوازدهم و سیزدهم میلادی منحصر به ترجمه بود. متون علمی بسیار زیادی از جمله مواد جغرافیائی از عربی به لاتین ترجمه شد و مترجمان اهل بسیاری از نقاط اروپا بودند... هیچ شاخه ای از دانش، علوم یا جغرافیا، نبود که توجه مترجمان را جلب کرده باشد.»^{۲۷}

حال با این تفصیلات بجاست که بعنوان مثال به چند نمونه از خدمات اندیشمندان مسلمان (اعم از مورخ، جغرافیدان، جهانگرد، فیلسوف، طبیعی دان و حتی سیاستمدار عالم...) به علم و اندیشه جغرافیا، اشاره کنیم تا ارزش گذاری ما برای آنها در حد توصیف نماند.

بعضی از خدمات مسلمین در علم جغرافیا

۱- مسلمین در جغرافیا و جهانگردی مناطقی را کشف و با آن روابط برقرار کردند که غربیها از آن بی خبر و یا با آن بی ارتباط بودند مانند روسیه، چین، ژاپن، هند، کره و...^{۲۸}

درباره هر کدام از موارد فوق و مواردی که در سطور بالا قید نشده است با استناد از مدارک متعدد سعی می کنیم صحت و درستی آنها را ثابت نمائیم تا صرفاً به تعریف و تمجیدی بدون پشتوانه اکتفا نکرده باشیم.

- قدیمترین اطلاعات جغرافیائی در باب روسیه گزارش ابن فضلان است^{۲۹} که از جانب المقتدر خلیفه عباسی به دربار شاه بلغار رفته است و گزارش او در معجم البلدان یا قوت نقل شده است.^{۳۰} در جای دیگر بصورت تفصیلی همین مطلب آمده است: خلیفه المقتدر در صفر ۳۰۹ هـ. ق/ژوئن ۹۲۱ م او را با عثمان فرستاده سیاسی به نزد پادشاه بلغاریان و لگا گسیل داشت... ابن فضلان پس از بازگشت به بغداد شرح سفر خود را بصورت کتابی نوشت که شاید قابل اعتمادترین گزارش باشد در باره منطقه ای که تا آن زمان اطلاعات بسیار کمی از آن در دست بود.^{۳۱}

- نخستین توصیف چین از سلیمان تاجر است.^{۳۲} پنج قرن قبل از مارکوپولو یک سیاح مسلمان - سلیمان تاجر - از چین دیدن کرد و وصف مشهودات او در روایت ابوزید سیرافی باقی است.^{۳۳} البته شرح ماجرا بطور کاملتر بدینصورت است: سلیمان بازرگان چندین سفر به هندو چین کرده و مشاهدات خود را از آن سرزمینها و مردم آنجا در سفرنامه ای به نام «اخبار الصين والهند» (۸۵۰/۲۳۵) شرح داده است. این سفرنامه شاهدهی بر علاقه شدید و علمی بازرگانان مسلمان به انتقال اطلاعات جالب و استثنایی درباره سرزمینهای دور دست شرق به عربی زبانان آن دوره است. این سفرنامه را اول بار ابوزید الحسن سیرافی در ۹۱۶/۳۰۲ همراه با سفرنامه های دیگری که گردآوری و بررسی کرده بود در کتابی به نام «سلسلة التواریخ» جمع آورد. ابوزید ظاهراً شخص متمکنی بوده و با وجودیکه خود مسافرت نکرده به جمع آوری اطلاعات از مسافران و بازرگانان و تدوین آنها علاقه شدید داشته است.^{۳۴} کتاب کوچک وی (ابوزید) آکنده از اطلاعات دقیق و درستی درباره چین و هند و سیلان و جاوه و چند سرزمین دیگر است. درباره نژادشناسی و اخلاق و آداب و بازرگانی و طرز حکومت و تاریخ طبیعی این نواحی، این کتاب سندی گرانبها بشمار میرود^{۳۵} و فراتر از این موارد «جغرافیدانان مسلمان در عهد مغول بر علم جغرافیای چین تسلط داشتند از این رو همچنان که آلبرت هرمن (Albert Hermann) اشاره کرده است نقشه رسمی چین مربوط به سال ۷۱۱ هـ. ش/۱۳۳۱ م یا به استناد اطلاعات جغرافیدانان مسلمان و یا به دست خود آنان مرتب شد.^{۳۶} در عظمت کار مسلمانان همین بس که: زمانی که رومیها وجود چین

را در عالم خیال تصور می کردند جهانگردان مسلمان آن را شناختند و از ابتدای قرون وسطی پیرامون آن نوشتند که بعدها در قرن سیزدهم میلادی، سفر مارکو پولوی ایتالیائی آن نوشته ها را تأیید کرد.^{۳۷}

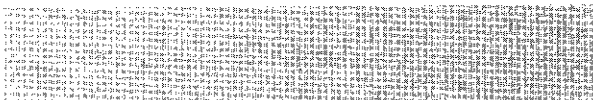
این خرداذبه «با نوشتن کتاب «المسالک والممالک» که از آثار ممتاز نوع خود بشمار می آید ضمن اینکه خلاصه ای از جاده های تجاری دنیای عرب را به دست می دهد افزون بر آن توصیفاتی درباره مناطق دور دستی چون چین، کره و ژاپن را فراهم می آورد.^{۳۸}

اضافه بر آن «در حدود سنه ۴۰۰ هجری یک بحر پیمای مسلمان با سفینه یی هندی حتی سواحل آفریقای جنوبی را دید. از طریق بحر سند قسمتی از سواحل چین تا کره مورد سیاحت بحر پیمایان مسلمان شد و قرن ها قبل از اروپائیان؛ مسلمین ژاپن را شناختند، نام این سرزمین مجهول را محمود کاشغری، جبرک (Djabarka) یاد می کند و رشید الدین فضل الله، چینگو (Tchimgou) که ظاهراً هر دو مصحف چیزی شبیه (Tchibengou) است و این همان نام است که مارکو پولو زینگو (zipengu) یاد می کند و نزدیکست به شکل تلفظ امروز فرانسوی و انگلیسی آن.^{۳۹}

کتابی که بیرونی در باب هند نوشته است - تحقیق مالهند - در واقع نه جغرافیاست، نه تاریخ، گنجینه ایست از تمام معلومات راجع به سرزمین هند آنهم بر اساس تحقیقات درست علمی، و این کتاب یک نمونه و یک شاهکار از تحقیقی بی شائبه مسلمین است در زمینه مسائل راجع به جغرافیای انسانی و فولکلور^{۴۰} عظمت کار بیرونی در این است که «به محض ورود به خاک هندوستان، زبان سانسکریت را آموخت و ادبیات و علوم هند را مطالعه کرد و اثر به یادگار ماندنی خود کتاب «الهند» را نوشت که در آن تصویر جغرافیای تفصیلی آن کشور را به دست داد... (و بی تردید) یکی از برجسته ترین تألیفات در زمینه جغرافیای ناحیه ای بشمار میرود.

[از آنجائیکه] بررسی های ابوریحان درباره مسائل بی شمار اجتماعی از کیفیت علمی مبتنی بر مشاهدات محلی و پژوهشهای شخصی سرچشمه گرفته است. از این رو، روش او، حقیقتاً انتقادی بود... (و بر همین اساس است که) او با ضبط موقعیت شهرهای آن دیار (هند)، برخی از اشتباهات جغرافیائی مقدماتی چین را در مورد هند تصحیح کرد^{۴۱} و «به تحقیق درباره چند عرض جغرافیائی و اصلاح مسافتها پرداخته است. از این رو شکایت دارد که گفته های مربوط به این مسافتها بسیار نادرست است.^{۴۲} دید انتقادی بیرونی ناشی از تسلط و احاطه ای بود که او بر معلومات جغرافیائی فراهم شده بر منابع و مدارک یونانی و هندی و ایرانی که به توسعه جغرافیا کمک کرده بود ناشی می شد و از آنجائیکه با منابع عربی نیز آشنایی داشت به مطالعه تطبیقی در جغرافیا پرداخت.^{۴۳}

بیرونی از عهده موضوعاتی چون معدن شناسی و زمین شناسی نیز برآمد که بهترین مثال تحقیقات او در زمینه اخیر توضیحاتی است درباره منشأ جلگه هندوستان، منطقه ای که بنابر نوشته او، پیش از این



مجموعه (برافتناسی)
نهر طر استان اردبیل

سفرنامه ابن بطوطه

(رشته این رشته)

جلد اول

رشته

دکتر محمد علی موسوی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بستر دریا بوده و بعدها با رسوبات پر شده است. نزدیکی قابل توجه نظریه او با برداشتهای امروزی را می توان در گفته های خود وی نمایان دید.^{۴۴}

- بیرونی را باید یکی از... پایه گذاران جغرافیای ریاضی دانست وی ضمن نقد کارهای گذشتگان خود اقدام به اندازه گیریهای از طول و عرض و فواصل نقاط شهرها کرد.^{۴۵} «او نه فقط مختصات جغرافیائی چندین شهر را محاسبه کرد، بلکه اندازه یک درجه عرض جغرافیائی را نیز محاسبه کرد و با این اقدام یکی از مهمترین عملیات مساحی را در تاریخ نجوم مسلمانان انجام داد (بعنوان یک منجم)^{۴۶} بطور کلی اگر بخواهیم مطالبی را که دانشمند عظیم الشأن ابوریحان بیرونی درباره هند نوشته - که جایی از وسعت دانش و تجربه و دقت ملاحظاتش است - با آنچه که دانشمندان و جهانگردان بنام مسلمان همچون ادریسی، ابوالفدا و ابن بطوطه، بعد از آن - که حاوی اطلاعات فراوان درباره هند بود - ارائه دادند را رویهم حساب کنیم از این سرزمین ادویه، سیم و زر، و فرهنگ کهن، دیگر برای دنیای اسلام رازی ناگفته باقی نماند.^{۴۷}

- کشف مناطق آفریقای

«از دانشمندان بارز عصر فاطمی حسن بن محمد مهلبی - معاصر خلیفه العزیز بالله - است او سفری طولانی به سرزمین سودان داشته



و با تألیف کتاب خود برای خلیفه فاطمی در سال ۳۷۵ هـ در بیان راهها نقش برجسته ای رقم زده است این کتاب که به دست ما نرسیده اولین تألیفی است که وصف دقیق از سودان را ارائه داده است.

وقتی سفرنامه ناصر خسرو به زبان فرانسه ترجمه شد، یکی از مآخذ و مصادر اسلامی در تمدن اسلامی مشرق زمین در قرن پنجم هجری گردید. حقیقتاً سفرنامه ناصر خسرو را باید بهترین منبع در توصیف مصر قبل از قحطی و خشکسالی که در این سرزمین در اواخر عصر المستعصر گرفتار آن شد به شمار آورد.

- این بطوطه بزرگترین جهانگرد مسلمان است. او اولین جهانگردی است که آفاق مجهول در صحرای بزرگ را در نور دیده و از مشاهدات خود نوشته است. بعضی از دانشمندان مسافت سفرهای او را به هفتاد و پنج هزار مایل (۱۲۰/۶۷۵ کیلومتر) تخمین زده اند و این مسافت را هیچ جهانگردی قبل از استخدام راههای آبی نپیموده است. او در سیاحت آفاق و در درک رویدادها بالاترین مرتبت را دارد. او بطور کلی، بیست و هشت سال از عمر خود را در سفرهای متعدد گذرانده است.^{۲۸}

در اواسط قرن ششم/ دوازدهم، ادریسی در کتاب جغرافی خود بنام «تزه المشتاق فی اختراق الافاق» درباره نیجر در بالای تیمبوکتو و ناحیه سرچشمه نیل و نواحی وسیع سودان اطلاعاتی را ارائه داد که صحت آن مسلم است. صحت و نکته سنجی اطلاعات ادریسی درباره آفریقا تحسین جغرافیدانان معاصر را برمی انگیزد.^{۲۹}

با مطالعه تاریخ اکتشافات، این حقیقت روشن می شود که «رومیان از قاره آفریقا جز سواحل شمالی آن را نمی شناختند و اروپائیان تا قرن هیجدهم میلادی از سواحل آن فراتر نرفته بودند ولی مسلمانان از صحرای آفریقا گذشتند و به مجهولات این قاره پی بردند ... [و بهمین دلیل است که] مساعدت جهانگردان و دریانوردان مسلمان به جهانگردان غربی در شناخت مجهولات قاره آفریقا و اقیانوس هند در اواخر قرون وسطی و اوایل قرون جدید، اهمیت ویژه ای دارد. بر همین اساس است که «ولادیمیر مینورسکی خاورشناس روسی نوشته است: جغرافی دانان عرب (مسلمان) جاهای خالی و شکافهای موجود از عصر بطلمیوس دانشمند یونانی تا زمان مارکوپولو ایتالیایی را پر کردند. اخبار جهانگردان عرب (مسلمان) نسبت به نوشته های دانشمندان یونانی، متنوع تر و آگاهی بخش تر است. دانش آنها که در کتابهایشان متجلی است بهترین گزینش و نقد و بیشترین تفصیل را - نسبت به کتب جهانگرد ایتالیایی، مارکوپولو - دارد.»^{۳۰}

مساعدت در کشف راهی بسوی اقیانوس هند و کشف آمریکا «آقای فران نوشته است که «ابن ماجد» همان دریانورد عربی است که ناوگان پرتغالی «واسکودو گاما»^{۳۱} را در تاریخ ۱۴۹۸/۹۰۳ از مالیندی (Malindi) در ساحل شرقی آفریقا تا کالیکات (یا کالیکوت)

(calicut) در هندوستان^{۳۲} رهبری می کرده است. این رویداد نقطه عطفی در تاریخ بازرگانی و دریانوردی مسلمین در مشرق زمین بشمار میرود. آنطور که «از گزارشهای پرتغالیها برمی آید «ابن ماجد» خود بر ناوگان پرتغالی سوار شده و خود راهنمایی آن را بر عهده گرفته است.^{۳۳} وی در این سفر نقشه ها و ابزارهای خاص دریانوردی همراه داشت که همه اروپائیان - و «واسکودو گاما» - از آنها محروم بودند.^{۳۴}

اما برای اینکه آشنایی بیشتری با این ملاح و دریانورد بزرگ و این ناخدای دانا و توانا داشته باشیم به معرفی او همت می گماریم تا ارزش و عظمت او بیش از پیش روشن شود و قدر و منزلت واقعی او - تا حدی، آسان که هست - آشکار شود. معلم یا استاد دریانوردی، «ابن ماجد»، از طریق اثرش که با نسخه های خطی شماره های ۲۲۹۲ و ۲۵۵۹ در کتابخانه ملی پاریس موجود است، بر ما شناخته است. نام کامل وی شهاب الدین احمد بن ماجد نجدی بود، نجد فلات مرکزی جزیره العرب است و بنابراین ابن ماجد اصل عربی دارد. وی برای خود القاب «شاعر و قبله» (مکه و بیت المقدس) و زائر دو حرم (مکه و مدینه) و فرزند شیران و شیر دریای خشمناک آورده است ... علم دریانوردی که ابن ماجد در آن درخشندگی پیدا کرد پیش از آن نیز در نزد مسلمانان، مخصوصاً در قرن دهم/ شانزدهم، موضوع تألیف رساله های متعدد شده بود. متأسفانه این آثار از میان رفته است.

... نسخه های پاریس که از آنها سخن گفتیم. مشتمل بر چندین قطعه شعر درباره فن دریانوردی است. مهمترین آنها که از ابن ماجد است در جُلْفار و وطن شیردریا به تاریخ ۸۶۶ (۱۴۶۲) نوشته شده و نام آن «حاویة الاختصار فی اصول علم البحار» است. مطالب مندرج در آن فراوان است: علامات نزدیکی خشکی، منازل قمر و جهت وزیدن بادهای، گاه شماری، نظام وزش بادهای سپس توصیف راههای دریائی می آید: راههای کرانه ای عربستان، از حجاز، از سرزمین سیاهان، از هند غربی، از گورمورایدن، از بنگاله، تا سرزمین مهاراجا (جاوه)، تا فورموز و تا چین. فاصله بنادر کرانه ای عربستان تا بنادر هند غربی.

این مجموعه موضوعها مستلزم آن است که کشتیرانی وسیعی عملاً از سواحل عربستان یا از خلیج فارس به آفریقا و هندوستان و شرق اقصی وجود می داشته است، رساله دیگری به نثر از همین مؤلف (ابن ماجد) کتاب «الفوائد فی اصول علم البحر والقواعد» است و تاریخ ۸۹۵ هجری (۱۴۸۹) دارد. از همان موضوعات بحث می کند و چنان می نماید که بیشتر در آن درباره توصیف جزایر بزرگ همچون ماداگاسکار و جاوه و سوماترا و سیلان و نیز درباره دریای سرخ (بحرا حمر) تأکید شده باشد.^{۳۵}

در اینکه چه مدت از عمر ابن ماجد در دریا و به امر کشتیرانی گذشته است و چه تعداد تألیف دارد، مؤلف تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی می نویسد: «ابن ماجد که بیش از ۵۰ سال از عمر

تقوم البلدان

تألیف
ابو اسحاق

ترجمه
محمد الموحیدی



- ۳۳- کتاب کارنامه اسلام ص ۷۹
- ۳۴- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۳۷
- ۳۵- کتاب متفکران اسلام ... ص ۵۸-۵۷
- ۳۶- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۲۷
- ۳۷- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۱۵۳
- ۳۸- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۳۲
- ۳۹- کتاب کارنامه اسلام ص ۸۱
- ۴۰- همان منبع ص ۷۹
- ۴۱- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا صفحات ۲۷ و ۴۳ و ۶۵ و ۵۷
- ۴۲- کتاب متفکران اسلام ... ص ۸۶
- ۴۳- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۳۹
- ۴۴- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۴۳
- ۴۵- کتاب تاریخ علم در ایران ص ۲۴۰
- ۴۶- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۳۹
- ۴۷- کتاب خدمات مسلمانان ... صفحات ۵۷ و ۲۸
- ۴۸- کتاب جهانگردان مسلمانان ... صفحات ۱۴۴، ۱۰۸، ۵۹، ۴۹
- ۴۹- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۲۶-۲۵
- ۵۰- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۵۵-۵۴
- ۵۱- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۴۹
- ۵۲- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۱۰ و کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۴۹
- ۵۳- کتاب متفکران اسلام ... ص ۷۲
- ۵۴- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۱۰
- ۵۵- کتاب متفکران اسلام ... ص ۷۴-۷۳
- ۵۶- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۴۹
- ۵۷- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۱۱
- ۵۸- کتاب تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی ص ۵۰
- ۵۹- کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ص ۲۵۰

خود را در دریاهای خطرناک گذرانده بود می تواند یکی از بزرگترین دریانوردان مسلمان در تمام اعصار بشمار آید. وی سی اثر درباره دریانوردی به رشته تحریر درآورد و یکی از مهمترین نویسندگان مسلمان در زمینه اقیانوس شناسی، دریانوردی و امثال آن است. آثار او وی را همردیف دانشمندان برجسته زمانش قرار میدهد. مهمترین اثر او کتاب «الفوائد فی اصول علم البحر و القواعد» است. «۵۶» در این کتاب - علاوه بر مطالبی که قبلاً ذکرشان رفت - درباره «روش کشتی رانی و بکارگیری قطب نما سخن گفته است. اطلاعات او از دریای سرخ و اقیانوس هند بسیار زیاد است»^{۵۷} و اما کلام آخر درباره ابن ماجد، همین قدر باید گفت که «آثار ابن ماجد و سلیمان مهری [سلیمان بن احمد المهری، معاصر جوانتر ابن ماجد، از دیگر دریانوردان مهم این دوره است که او نیز دارای ۵ کتاب درباره دریانوردی است که در نیمه اول قرن دهم/ شانزدهم برشته تحریر درآمد] نشان دهنده اوج معلومات جغرافیای دریانوردی مسلمانان به شمار می رود. این دریانوردان نقشه های دریائی پیشرفته ای به کار می بردند، که احتمالاً مدارات و نصف النهارات بر آنها ترسیم شده بوده است. همچنین از آلات و ادوات دقیق استفاده می کرده و نیز معلومات نجومی خود را در دریانوردی بطور شایسته به کار می بسته اند. تردیدی نیست که معلومات آنها درباره دریاها، مخصوصاً اقیانوس هند، بسیار پیشرفته بوده است، زیرا در نوشته های خود وضع سواحل، راه های دریائی، و سایر اطلاعات مربوط به کشورهای مورد بازدید خود را به تفصیل شرح می دهد. آنها با جزایر متعدد هند شرقی نیز آشنا بوده اند.»^{۵۸}

در خصوص کشف آمریکا «مطالعات و تألیفات جهانگردان مسلمان راهنمای کشف آمریکا بوده است چنانکه کریستف کلمب کاشف آمریکا در نامه مورخ اکتبر ۱۴۹۸ خویش که از هائیتی می گذرد از «ابن رشد» دانشمند اسلامی یاد می کند و او را از کسانی می شمرد که با نظریه وجود دنیای جدید، او را در کشف آمریکا مساعدت نموده است.»^{۵۹}

(ادامه دارد)

«منابع و مأخذ و ذکر ارجاعات متن»

- ۲۵- کتاب تمدن اسلام و عرب ص ۶۰۶-۶۰۵
- ۲۶- کتاب مبانی جغرافیای انسانی با اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران: جواد صفی نژاد، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران اسفند ۱۳۶۳ ص ۵
- ۲۷- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۱۳۵-۱۳۳
- ۲۸- کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی: زین العابدین قربانی، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی ص ۲۵۰
- ۲۹- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۹
- ۳۰- کتاب کارنامه اسلام: دکتر عبدالحسین زرین کوب، مؤسسه انتشارات امیرکبیر چاپ چهارم ۱۳۶۹ ص ۸۱
- ۳۱- کتاب خدمات مسلمانان به جغرافیا ص ۳۵
- ۳۲- کتاب جهانگردان مسلمان ... ص ۹